

وزیر جانباز - نوشته ی هپلی



وزیر جانباز- هپلی

قدیم ندیم ها وقتی مدرسه می رفتیم یک درسی هم به اسم اخلاق داشتیم که در آن از جمله در مورد حیا و اینکه یکی از صفات شریف انسانی است، بسیار سخن میرفت و چنان در مخ و ملاج ما فرو رفته بود که حیا و شرم موجب می شود از کار بد دوری کنیم. پس از انقلاب 57 تازه فهمیدیم که هرچه خوانده بودیم باد هوا بوده است و حیا و شرم از بدترین و مزاحمترین و مضرتترین خصایص است که موجب می شود خودت از نعمات دور بیفتی و کلاحت هم پس معرکه بیافتد و خلاصه که به جایی نمی رسی و چیزی نصیبت نمی شود و فیضی نمی بری. آدم مأخوذ به حیا همیشه هشتش گروه نه است و کاسه چکنم بدستش .

اگر می خواهی به جایی برسی باید بی آبرویی پیشه کنی و پوست خلق را بکنی و مال مردم را بخوری و با پررویی و وقاحت کارت را پیش ببری و همیشه هم از مردم طلبکار باشی.

پس از آنکه حضرت امام فرمود خدعه کردم، مریدان و اطرافیان به او اقتدا کردند و هر جنایت و خبائتی بود در حق ملت دریغ نکردند و رفسنجانی ، خامنه ای ، عسگر اولادی و دیگران هر یک مجسمه وقاحت و شرارت در تاریخ گشتند تا نوبت به به آسید حسن هاشمی رسید .

آسید حسن کیست؟ وزیر بهداشتی که چند روز پیش پیرمرد نانوائی نالانی که عیالش از درد کمر و پا زمین گیر شده، برای یاری به او متوسل شد که هزینه ی فیزیوتراپی زخم سنگینه کمکم کن جواب گرفته که خودت بمال ! تو که نانوائی بلدی چونه بمالی خوب خودت بمال.

حالا برخی هی رجز می خوانند که از کرامات شیخ ما چه عجب - پنجه را باز کرد و گفت و جب.

خوب عزیز من اگر به این ملت طلبکار فیزیوتراپ را بدهی، فردا یک چیز دیگر می خواهد، پس باید همان قدم اول نفس را بریدی. این شیوه ی رجال اسلام انقلابی است. حداد عادل را از یاد برده اید که چندی پیش به پیرمردی که کفشش پاره شده بود گفت برو کفشت را بدوز. کسی هم به او نگفت تو هم درت را بذار.

حالا اگر مراحل ترقی آسیدحسن را ملاحظه کنید درستی عرایضم را متوجه خواهید شد. آسید حسن وزیر بهداشت، بسیجی جانباز بوده و سهمیه ای به دانشگاه رفته و با زحمت فراوان متخصص چشم شده است و البته خیلی ها چشم دیدنش را ندارند.

او فقط چشم پزشک نیست بلکه در هر موردی سینه سپر می کند و در هر کاری دخالت می کند؛ بیخود نیست تا می آید جلوی دوربین، بدخواهان غرغر می کنند که این باز آمد و نخود آتش شد یا اگر به هر محفلی دعوت می شود می گویند هر جا آتش است آسید حسن فراش است.

آسید حسن در نطق هایش قبل از اینکه انتخاب بشود خیلی خوب صحبت می کرد و به مردم وعده می داد که شما شایسته ی بهترین خدمات هستید.

وقتی به سمت وزیر انتخاب شده انتظار داشتید به وعده اش عمل کند؟ عزیز من چقدر شما خوشخیالید! آسیدحسن حرفش را برگرداند و گفت: «مردم عادت کرده اند که با مدل آمریکایی، هر وقت اراده کردند، پیش بهترین متخصص بروند و با پرداخت مبلغی به عنوان ویزیت، خدمات بگیرند. اما حالا که منابع مالی آن تأمین نشده است. ناچاریم برای برنامه ی پزشک خانواده محدودیتهایی برای مردم ایجاد کنیم.» خوب حالا مردم از صراحت او می رنجند تقصیر خودشان است چون اخلاق بزرگان جمهوری اسلامی از دم همین است و بس. تازه حرفی هم بزنی جوابش را در آستین دارد: ما چرا باید با مدل آمریکایی پیش دکتر برویم؟ اصلاً چه معنی داره؟ خوبه که این به گوش ترامپ و دار و دسته اش نرسیده و گرنه این را هم برایش دایره و تنبک درست می کردند.

با همه این حرف ها آسید حسن موفق شد محبوب القلوب ریاست جمهوری و رهبر واقع شود، حالا مردم اگر ناراضی اند، خب باشند به قول معروف در دروازه را می شود بست ولی دهان مردم را نه. بچه جانباز ما با اجرای طرح های گوناگون از سر و ته تجهیزات بهداشتی زد تا در بودجه صرفه جویی شود؛ خوب اگر این بیچاره آسیدحسن از بهداشت مردم زده تا صرفه جویی کند، حال اگر مسئولین توانسته اند اختلاس کنند گناه او چیست؟

وقتی به حقوق های نجومی مدیران اعتراض شد ایشان فرمودند: فراموش نکنیم که دین حنیف آیین پوشیدگی است نه افشاگری!؟

واقعاً از این جواب کیف کردم. معلوم شد دین حنیف فقط برای خانم ها حجاب ندارد بلکه برای اختلاس و چپاول هم حجاب قایل شده است منتها کو چشم بینا و کو قدردان.

نه اینکه فکر کنید تخصص آسیدحسن فقط چشم پزشکی است. ابدأ ایشان در مورد محیط زیست هم صاحب نظر است و یکی دو بار به عراق به این منظور سفر کرده است تا مساله ریزگردها را حل کند و در این رابطه ماسک هایی هم تهیه کرده و بین مردم پخش کرده ولی صدای اسماعیل کهرم مشاور محیط زیست در آمده که این چه ماسکی است که ریزگرد که هیچی نخود هم از آن عبور می کند.

بیچاره کهرم خواستار ماسک های رایگان برای مردم خوزستان است که از ورود ذرات با قطر کمتر از 2.5 میکرون جلوگیری کند اما کو گوش شنوا؟ آسید حسن با پورشه از جلویش رد می شود و بهش پوزخند می زند.

آسید حسن جانبازی است که چون از قعر اجتماع برخاسته از درد مردم خبر دارد و به همین جهت وی ظرفیت رشته پزشکی را به طور ناگهانی از حدود ۴۷۰۰ نفر در سال به حدود ۲۷۰۰ نفر در سال کاهش داده که این 2700 نفر هم سهم جانباز و خانواده شهداست که بدون کنکور و آزمایش پزشک شوند و دمار از روزگار مردم در آورند و اما کسانی که واقعاً طالب رشته پزشکی هستند فقط با پرداخت شهریه ی چند میلیونی می توانند در صندلی دانشجویی بنشینند.

همین تغییرات انقلابی در سایر رشته ها به وقوع پیوسته و ظرفیت دندانپزشکی از ۱۵۰۰ نفر به ۸۰۰ نفر و ظرفیت داروسازی از ۱۳۰۰ نفر به ۶۰۰ نفر کاهش داده شده و در عوض سهمیه ی مجانی جانبازان و ایثارگران و شهدا را بالا برده است .

تا یادم نرفته بگویم آسید حسن نمایندگی لنز عینک یک شرکت امریکایی را هم دارد که به خاطر پایین بودن حقوق وزارت به مسافرکشی نیافتد.

شیوه ی رفتار و اخلاق بزرگان جمهوری اسلامی برای بسیاری از جوانان امروز الگو شده است و ثمرات آن را حالا حالاها باید ببینیم .

الحق دیانت ما سیاست ماست

سیاست ما وقاحت ماست

جمعه، 6 مهر 1397 - 2018 Sep 28th Fri